

بررسی زبان و ادب عامیانه در داستانهای دفاع مقدس (مطالعه موردی: باغ بلور، دل دلدادگی،  
زمین سوخته، زمستان ۶۲)

یزدان پاکمهر، موسی پرنیان\*، خلیل بیگزاده

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

خرداد ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۵، صص ۶۷-۸۳

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.6870

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

**زمینه و هدف:** زبان و ادبیات عامیانه یکی از شاخصه‌های مهم در فرهنگ معنوی هر کشوری است که از دیرباز در ادبیات فارسی هم کم و بیش نفوذ داشته است. با رشد و گسترش ادبیات داستانی ایران در صد سال اخیر و گرایش به استفاده از عناصر زبانی و مؤلفه‌های ادبیات عامه در آثار خلق شده، شاهد رشد چشمگیر بازتاب زبان و ادبیات عامیانه در ادبیات معاصر بویژه در داستان هستیم. ادبیات دفاع مقدس بویژه داستان هم از این قاعده مستثنی نیست. نویسندگان داستانهایی دفاع مقدس نیز متناسب با فضا و شخصیت‌های داستان خود، از عناصر زبانی و مؤلفه‌های ادبیات عامه استفاده کرده‌اند.

**روش مطالعه:** پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و عناصر زبانی و مؤلفه‌های ادبیات عامه در چهار داستان شاخص دفاع مقدس (باغ بلور، دل دلدادگی، زمین سوخته، زمستان ۶۲)، بررسی شده است.

**یافته‌ها:** نویسندگان داستانهایی دفاع مقدس، بویژه داستانهایی که در این پژوهش بررسی شده، از زبان و ادبیات عامه غافل نبودند و در پیشبرد روایت خود و در شخصیت‌پردازی و فضا سازی از آن استفاده کردند؛ بگونه‌ای که اکثر اصطلاحات، واژه‌ها و ابیات عامیانه از زبان شخصیت‌های عامه بیان شده که نشان از آگاهی و تسلط این نویسندگان بر زبان و فرهنگ عامه ایران زمین دارد.

**نتیجه‌گیری:** نتایج نشان می‌دهد که عناصر زبانی و مؤلفه‌های ادب عامه در داستان زمستان ۶۲ نسبت به سه اثر دیگر بازتاب کمتری داشته است، زیرا اکثر شخصیت‌های این داستان افرادی با تحصیلات دانشگاهی هستند که در محیطی اداری در تعاملند. درحالی‌که شخصیت‌های سه داستان دیگر (باغ بلور، دل دلدادگی، زمین سوخته) از افراد معمولی هستند و در فضای کوچه و بازار در ارتباط هستند و مکالمات آنها مملو از واژه‌ها، اصطلاحات و ادبیات عامیانه است.

تاریخ دریافت: ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۱۲ خرداد ۱۴۰۱

تاریخ اصلاح: ۲۷ خرداد ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۱ مرداد ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

داستان فارسی، ادبیات عامیانه،

دفاع مقدس، باغ بلور، دل دلدادگی،

زمین سوخته، زمستان ۶۲

\* نویسنده مسئول:

dr.mparnian@razi.ac.ir

۳۴۲۷۷۶۰۵ (۹۸ ۸۳+)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

**Study of folk language and literature in Holy Defense novels  
(The Baq Bolour, Del Deldadegi, Zamin Soukhte, Zamestan 62)**

Y. Pakmehr, M. Parnian\*, Kh. Baygzadeh

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 30 April 2022  
 Reviewed: 02 June 2022  
 Revised: 17 June 2022  
 Accepted: 02 August 2022

KEYWORDS

Persian novel, folk literature,  
 Holy defense, Baq Bolour,  
 Del Deldadegi, Zamin Soukhte,  
 Zamestan 62.

\*Corresponding Author

✉ [dr.mparnian@razi.ac.ir](mailto:dr.mparnian@razi.ac.ir)

☎ (+98 83) 34277605

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Folk language and literature is one of the important indicators in the spiritual culture of any country, which has had more or less influence in Persian literature since long ago. Through the growth and expansion of Iranian fiction literature in the last hundred years and the tendency to use the elements of popular language and literature in the works created, we can see a significant growth of the reflection of popular language and literature in contemporary literature, especially in fiction. The sacred defense literature, especially the story, is no exception to this rule. The writers of the holy defense stories have also used elements of popular language and literature in accordance with the atmosphere and characters of their stories.

**METHODOLOGY:** The present research was carried out by descriptive-analytical method, the elements of popular literature in four stories of holy defense (Bagh Bolour, Dele Deldadegi, Zamin Sokhte, Zemesta62) were studied.

**FINDINGS:** The authors of the holy defense stories, especially the stories studied in this research, were not inadvertence to the popular literature and used popular language and literature in advancing their narrative and in characterizing and creating atmosphere. In such a way that most of the slang terms, words and verses are expressed by the language of popular personalities, which shows the knowledge and mastery of these writers on the popular language and culture of Iran.

**CONCLUSION:** The results show that the elements of popular language and literature in the story of Zemestan62 had less reflection compared to the other three works; Because most of the characters in this story are people with university education who interact in an office environment. While the characters of the other three stories (Bagh Bolur, Dele Deldadegi, Zamin Sokhte) are ordinary people and they interact in the streets and markets, and their conversations are full of words, idioms and folk literature.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.6870](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.6870)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 28	 8	 0

## مقدمه

ادبیات هر ملتی آینه فرهنگ، باورها، اندیشه‌ها و اعتقادات آن ملت است و اگر بپذیریم فرهنگ عامه به مجموع آداب و رسوم، عقاید، عادات، افسانه‌ها، حکایات، امثال، ترانه‌ها و اشعار عامیانه اطلاق می‌شود، میتوان نتیجه گرفت که آثار ادبی یکی از شناساگرها و جلوه‌گاه‌های فرهنگ عامه هستند. رمان، داستانی است که براساس تقلیدی نزدیک به واقعیت از آدمی، عادات و حالات بشری نوشته میشود و بنحوی از انحاء تصویر جامعه را در خود منعکس میکند و شامل انواع گوناگونی است. از آنجایی که در دوران معاصر و با تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، گرایش به رمان‌نویسی ایجاد شده و افزایش داشته و این گونه ادبی فرآورده تیزبینی و نگرش انتقادی نویسنده در مورد شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه است؛ بنابراین واکاوی رمانهای برجسته یک مقطع زمانی میتواند مشخصات فرهنگی و درک مردم را از زمان خودشان بخوبی نشان دهد. یکی از ژانرهای مهم ادبیات داستان‌نویسی فارسی بعد از انقلاب اسلامی ایران، رمان جنگ است.

رمان جنگ از جهت موضوع، نوعی رمان است که بطور مستقیم یا غیرمستقیم، به توصیف صحنه‌های جنگ در جبهه و پشت جبهه و نیز بیان مسائلی چون حالتهای روحی رزمندگان، دلاوری آنها، ترغیب افراد به پیوستن به جبهه و همچنین تبعات جنگ چون بمباران شهرها، آوارگی، مهاجرت و مقاومت مردم، افسردگیهای روحی و روانی، و ویرانیها میپردازد و نمایانگر وجوه مختلفی از واقعیت جنگ و تأثیراتش بر جامعه، اوضاع و احوال خانواده‌های جنگزده، زندگی روزمره اقشار گوناگون مردم و نحوه واکنش مردم به آن و نیز روایتگر جنگ و تأثیرش در بستر روابط عاطفی خانواده‌ها است. ازطرفی تناسب زبان رمان رئالیستی با زمان آن بیانگر رابطه و تعامل فضای جامعه و فرهنگ بومی است؛ بنابراین یکی از آبخورهای مهم نویسندگان رمانهای جنگ، زبان و ادبیات عامیانه مردم ایران است که کم و بیش در این رمانها بازتاب داشته است. بررسی این داستانها اهمیت و جایگاه فرهنگ عامه بویژه زبان و ادبیات عامیانه در اینگونه آثار را نشان میدهد؛ زیرا بازتاب زبان و ادبیات عامه در داستانهای جنگ، علاوه بر همذات‌پنداری مخاطب با قهرمانان این داستانها، در پیشبرد سیر داستان تأثیرگذار بوده و نشان از تسلط نویسنده بر فرهنگ عامیانه دارد.

در این پژوهش، زبان و ادبیات عامیانه در چهار اثر مهم حوزه ادبیات داستانی دفاع مقدس، مورد بررسی قرار میگیرد. داستان زمین سوخته بعنوان اولین داستان بلند جنگ ایران و عراق، اتفاقات روزهای نخست جنگ در شهر اهواز را روایت میکند. داستان زمستان ۶۲ هم روایت گروهی دیگر از مردمان درگیر جنگ در شهر اهواز است. داستان دل دلدادگی داستان بلندی است که علاوه بر صحنه‌هایی از جبهه‌های غرب و جنوب، داستان عشق نافرجام یک جوان شمالی را هم روایت میکنند. داستان باغ بلور روایت گرفتاریها و مشکلات خانواده‌های شهدا در تهران است و تا حدودی میتوان گفت که از نوع داستانهای پشت جبهه محسوب میشود؛ درحالیکه سه داستان دیگر (زمین سوخته، دل دلدادگی و زمستان ۶۲) به روایت اتفاقات مناطق جنگی و جبهه میپردازند.

اهمیت این پژوهش در نشان دادن میزان و ضرورت توجه نویسندگان دفاع مقدس به روایت درست و همه‌جانبه جنگ تحمیلی برای مخاطبان امروز بویژه نسل جوان است که در معرض انواع تهدیدهای دشمن از تحریم اقتصادی تا جنگ نرم قرار دارند؛ زیرا آشناسازی نسل جوان با نسل انقلاب، جنگ تحمیلی، فرهنگ و تاریخ گذشته و پیشگیری از گسست تاریخی و فرهنگی و فکری میان نسل رزمندگان با نسل کنونی و حتی آیندگان وظیفه‌ای خطیر و بزرگ است؛ بنابراین در این پژوهش، ابتدا درباره فرهنگ و زبان و ادبیات عامیانه، رمان جنگ توضیحاتی کوتاه و مختصری ذکر شده، سپس داستانهای فوق از نظر ادبیات و زبان عامه بررسی و مقایسه شدند تا میزان

بهره‌گیری این نویسندگان از مؤلفه‌های زبان و ادبیات عامه نشان داده شود. در این پژوهش به دو پرسش بسامد مؤلفه‌های زبان و ادبیات عامه در داستانهای مذکور چه میزان است و تفاوتها و شباهتهای آنها در چیست، پاسخ داده خواهد شد.

### سابقه پژوهش

پژوهشهای بسیاری در زمینه فرهنگ عامه و ادبیات دفاع مقدس صورت گرفته است، از جمله: فرهنگهای عامیانه‌ای و کتابها و مقالاتی که در این پژوهش استفاده شده و در منابع مقاله ذکر شده است. برای نمونه تمیم‌داری در کتابی با عنوان «فرهنگ عامه» (۱۳۹۰) ضمن تعریف فولکلور یا دانش عمومی، مبانی نظری فرهنگ عامه، ادبیات عامیانه، هنرهای عامیانه، آیینها و مراسم، زبانها و گویشها، جشنها و اعیاد، آیین فتوت، بازیها، لباسهای محلی و بناهای عامیانه، به معرفی فرهنگ عامه ایرانیان نیز پرداخته است. ذوالفقاری در کتابی با عنوان «زبان و ادبیات عامه ایران» (۱۳۹۶) به بررسی انواع و گونه‌های مختلف ادب عامه پرداخته و کوشیده است در کنار ارائه اطلاعات و دانش ادب عامه، زمینه‌های لازم را برای تحقیق و مطالعه علمی نیز فراهم کند. شکوه در مقاله‌ای با عنوان «ادبیات عامیانه سرآغاز ادبیات کودک» (۱۳۴۸)، ادبیات عامیانه را سرآغاز ادبیات کودک معرفی کرده است. هاشمی دهکردی در مقاله‌ای با عنوان «فرهنگ مردم و افسانه‌های شهرکرد» (۱۳۸۳)، فرهنگ مردم در افسانه‌های شهرکرد را بررسی و تحلیل کرده است.

در حوزه ادبیات جنگ نیز کتابها و پژوهشهای بسیاری در سالهای اخیر به رشته تحریر درآمده است، از جمله تندرو صالح در کتابی با عنوان «ادبیات جنگ و موج نو» (۱۳۸۲) به چیستی جنگ و آثار و مشخصه‌های آن پرداخته است. زاهدی مطلق در کتاب «نسل باروت» (۱۳۸۴) به مباحث و موضوعات مختلف ادبیات جنگ نظر افکنده است؛ حنیف در کتابی با عنوان «کندوکاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس» (۱۳۸۸)، به گفتگو با صاحب‌نظران ادبیات داستانی و دفاع مقدس پرداخته است. حسن‌بیگی در کتابی با عنوان «جنگ و رمانهایش به معرفی» (۱۳۹۲)، به خلاصه و تحلیل ۵۴ رمان در حوزه جنگ اهتمام داشته است.

در باره داستانهای مورد بحث در این پژوهش و نویسندگان آنها نیز آثار قابل‌تأملی نگارش شده است، از جمله دستغیب در کتابی با عنوان «نقد آثار احمد محمود» (۱۳۷۸) به بررسی و نقد و تحلیل آثار احمد محمود پرداخته است. اجاکیانوس در کتابی با عنوان «نقد مجموعه آثار فصیح و چند داستان از احمد محمود و ...» (۱۳۸۶) به نقد و بررسی آثار فصیح در دو فصل ابتدایی پرداخته و در ادامه چند داستان از نویسندگان دیگر از جمله زویا پیرزاد را نیز نقد کرده است. وهابی دریاکناری و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «بررسی و مقایسه پروتوتایپ در رمانهای زمین سوخته و زمستان ۶۲» (۱۳۹۶) شخصیت‌های این دو داستان و طبقه اجتماعی آنها را بررسی و تحلیل کرده‌اند. ظریفی‌نیا در مقاله‌ای با عنوان «هویت جهادی در دو رمان دفاع مقدس» (۱۳۹۷) جایگاه هویت جهادی را در دو داستان زمین سوخته و نخلهای بی‌سر بررسی کرده است. صابرپور در مقاله‌ای با عنوان «پیوندهای گفتمانی و تصویر زنان در باغ بلور» (۱۳۹۴)، موضوع زنان در داستان باغ بلور را از منظر نحوه تعامل با گفتمان غالب اجتماعی در دهه ۶۰، بررسی کرده و نتیجه گرفته است که این رمان، با بازتولید ارزشهای سنت پدرسالاری، بازنماینده دو استراتژی گفتمانی عمده در حوزه زنان است: تقلیل زن به مادر و تقدیس مظلومیت وی.

پژوهش دری و خیراندیش با عنوان «مقایسه بازتاب فرهنگ عامه در آثار سیمین دانشور و احمد محمود» (۱۳۹۳)، شاید نزدیکترین کار به موضوع این مقاله است که در آن به بازتاب فرهنگ عامه در آثار سیمین دانشور و احمد

محمود پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که فرهنگ مردم در آثار محمود بیشتر بصورت مَثَلها، کنایات و اصطلاحات عامیانه در بافت زبان خوزستانی ارائه شده است؛ درحالیکه سیمین دانشور علاوه بر فرهنگ مردم زادگاهش، از فرهنگ مردم دیگر نقاط ایران هم مؤلفه‌هایی در آثارش آورده است؛ ضمن اینکه در این پژوهش داستان زمین سوخته احمد محمود بررسی نشده است. نگارندگان، مقاله یا اثری را که بطور مشخص و مستقیم به بررسی زبان و ادبیات عامیانه در داستانهای شاخص دفاع مقدس بپردازد، نیافته‌اند. از این رو در پژوهش حاضر عناصر زبان عامه و گونه‌های ادبیات عامیانه را در چهار داستان شاخص ادبیات دفاع مقدس (باغ بلور، دل دلدادگی، زمین سوخته و زمستان ۶۲) بررسی، تحلیل و مقایسه کرده‌اند.

### بحث و بررسی

انسان در طول زندگی، در بستری از اعمال، رفتار، عادات و باورهای سنتی رشد میکند. به مجموعه این کردارها و باورها که از جامعه به ارث میرسند و بافت زندگی بشر را میسازند، فرهنگ میگویند (آشوری، ۱۳۸۰: ۵۱). فرهنگ به دو بخش مادی و معنوی تقسیم میشود: «فرهنگ مادی را شامل همه وسایل و ابزارها و آنچه به دست بشر از ماده طبیعی ساخته میشود و شیوه‌ها و فرایند ساخت‌وساز آنها را میدانند و فرهنگ معنوی شامل ارزشها، باورها و اندیشه‌ها، فنها، دین، آداب و سنتها و همه آنچه از فرآورده‌های ذهنی انسان گرفته شده است» (همان: ۱۱۴) میباشد. فرهنگ معنوی، فرهنگ عامه یا فرهنگ توده را تشکیل میدهد. صاحب‌نظران برای فرهنگ عامه تقسیم‌بندیهای گوناگونی ارائه کرده‌اند، از جمله بیهقی، فولکلور یا فرهنگ عامه را به سه شاخه اصلی تقسیم کرده‌است: الف: عرف و عادات؛ خرافات، اعتقادات و باورها پیرامون آسمان، زمین و... ب: آداب و رسوم اقشار مختلف جامعه؛ مناسک، مشاغل، گاه‌شماری و تقویم جشنها و... ج: ادبیات عامه؛ داستانها، مَثَلها، تصنیفها و ترانه‌ها و... (بیهقی، ۱۳۶۸: ۲۱). همانگونه که در این تقسیم‌بندی آمده، ادبیات عامه یا ادبیات شفاهی یکی از بخشهای اصلی و مهم فرهنگ معنوی انسانهاست.

تعاریف و توضیحات بسیاری درباره ادبیات عامه، محتویات و دامنه آن در فرهنگها و کتابها آمده‌است؛ از جمله ادبیات عامه «به مجموعه ترانه‌ها، قصه‌ها، اساطیر و ضرب‌المثل‌های رایج در میان یک قوم اطلاق میشود که بطور شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل میشود و موضوعات آن برگرفته از فرهنگ قومی است» (داد، ۱۳۹۰: ۲۴). میرصادقی معتقد است: «همه انواع قصه‌های عامیانه، مثل، افسانه تمثیلی، حکایت اخلاقی، اسطوره، مَثَل و همچنین برخی از ضرب‌المثل‌هایی که در فرهنگ مردم، پیش از اختراع حروف الفبا وجود داشته و از نسلی به نسل دیگر رسیده است، جزو ادبیات شفاهی به حساب می‌آید» (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۲). همچنین حاجی‌زاده نیز ادبیات عامیانه یا ادبیات شفاهی را شامل ترانه، مَثَل، تصنیف، لالایی، لطیفه‌های دیوانی دوره به دوره، هزلیات، چيستانها و هر نقل و شعری میدانند که سراینده آن ناشناخته باشد (حاجی‌زاده، ۱۳۸۴: ۵۴). این تعاریف و توضیحات، گستردگی و تنوع موضوعی بسیار زیاد ادبیات عامه را روشن میکند. بررسی و پژوهش در این حوزه گسترده از اهمیت بالایی برخوردار است. صادق هدایت، پیرامون ارزشهای مطالعات در فرهنگ توده بویژه در سرزمین کهن ایران که مانند «کاروانسرای است که همه قافله‌های بشر از ملل متمدن و وحشی» با آن در تماس بوده‌اند میگوید: «کاوش و تحقیق درباره اعتقادات عوام، نه تنها از لحاظ علمی و روانشناسی قابل توجه است، بلکه برخی از نکات تاریک فلسفی و تاریخی را برآیمان روشن خواهد کرد و پس از تحقیق و مقایسه این خرافات با خرافات سایر ملل میتوانیم به ریشه و مبدأ آداب و رسوم، ادیان، افسانه‌ها و اعتقادات آنها پی ببریم» (هدایت، ۱۳۳۴: ۹). فرهنگ عامه هر ملتی دارای

ویژگی‌هایی است که عامل تفاوت آن جامعه از دیگر جوامع است. با این حال چون اساس شکل‌گیری آن، بر نیازهای بنیادین بشر نهاده شده، عامل هم‌بستگی‌های انسانی نیز به شمار می‌آید. همین موضوع موجب وجود شباهت‌های زیادی در مواد فولکلور، بویژه داستانها در نواحی مختلف جهان شده است (بیهقی، ۱۳۶۸: ۳۶). این فرهنگ «به شخص یا گروهی وابسته نیست. نمیتوان گفت آن را فرد یا شخص معینی پیدا کرده و به دیگران عرضه داشته است. اصالت آن در همین نکته است» (همان: ۲۱). به همین دلیل ادبیات شفاهی را میتوان نمایندهٔ اندیشه، تخیل و آیین تمام‌نمای زندگی مردم در زمانهای مختلف تلقی کرد که در ضمن ارزشمندی در مطالعات مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، حاوی ارزشهای تاریخی و روانشناسی نیز هست (هاشمی دهکردی، ۱۳۸۳: ۴۵۵).

یکی از مهمترین مسائل چهل سال گذشتهٔ جامعهٔ ایران، هشت سال دفاع مقدس است که تمام اقوام و اقشار مختلف ایرانی را بگونه‌ای با خود درگیر کرده است. حضور و مشارکت این گروه‌ها در جنگ باعث به وجود آمدن فضایی با فرهنگها، زبانها و آداب و رسوم متفاوت شد که بعدها در داستانهای دفاع مقدس بازتاب یافت. کوثری (۱۳۷۹، ص ۱۰۰) در این باره میگوید: «ادبیات جنگ هم شامل آن دسته از آثاری است که مستقیماً به توصیف جنگ (رزمندگان و وقایع و صحنه‌های جنگ، ادوات و ابزارهای جنگی، نقشه‌ها و فنون جنگ و ...) میپردازد و هم آن دسته که غیرمستقیم مسائل مربوط به جنگ، نظیر مهاجرت، بمباران شهرها، خانوادهٔ رزمندگان، ترغیب افراد به پیوستن به جبهه‌ها و مسائل پشت جبهه را توصیف میکند. همچنین ادبیات جنگ نه تنها شامل آثار ادبی تولیدشده در صحنه‌های جنگ و زمان جنگ، بلکه آثار تولیدشده در خارج از صحنه‌های نبرد و زمان پس از جنگ را نیز دربر میگیرد». وی همچنین با توجه به آثار پدیدآمده در جنگهای جهانی و نیز جنگ ایران و عراق، نوع‌شناسی زیر را برای ادبیات جنگ پیشنهاد میدهد:

۱. ادبیات جبهه (شامل جنگ داخلی و جنگ ملی-میهنی)؛ ۲. ادبیات زندان و بازداشتگاه (ادبیات اسارت)؛ ۳. ادبیات اردوگاهی (مهاجرت و زندگی اردوگاهی)؛ ۴. ادبیات اشغال یا مقاومت؛ ۵. ادبیات پشت جبهه (همان: ۱۰۰).

### ادبیات عامیانه و دفاع مقدس

ادبیات جنگ، در فرمها و قالبهای مختلفی چون شعر، داستان کوتاه، داستان، نمایشنامه و فیلمنامه و حتی خاطره‌نویسی گسترش یافته است. برای اینکه از این میدان فراخ رهایی یابیم، موضوع بحث خود را به بررسی ادبیات داستانی جنگ محدود کرده‌ایم. در این پژوهش، چهار داستان شاخص ادبیات دفاع مقدس (باغ بلور، دل دلدادگی، زمین سوخته، زمستان ۶۲)، از منظر زبان و ادبیات عامیانه بررسی و تحلیل شده است؛ بطوریکه ابتدا مؤلفه‌های ادبی شامل افسانه‌ها، مَثَلها، کنایات و اشعار عامیانه در هر داستان بررسی و مقایسه شده است و در ادامه عناصر زبانی شامل واژه‌های کوچه‌بازاری، اتباع، تکرار، فحش و القاب بررسی و مقایسه میشوند.

### افسانه‌ها

افسانه یکی از گونه‌های ادبیات شفاهی است که معمولاً شامل داستانهای ساده و دلنشین است. افسانه با وجود سادگی و عامیانه بودن، حاوی سخنانی عمیق و تفکراتی والا است. «برای افسانه چند معنی ذکر شده که مهمترین آنها، قصه، حکایت، داستان، سرگذشت، حدیث، اسطوره، حرفهای دروغ و بی‌پایه و سرانجام سخنان مشهور است» (تمیم‌داری، ۱۳۹۰: ۵۵). افسانه‌های عامیانه از جمله عناصر تشکیل‌دهندهٔ فرهنگ در میان جوامع بشری هستند. تمیم‌داری برای افسانه بطور کلی پنج ویژگی مهم برشمرده است: «زلحاظ ساختاری دارای ابتدا و گزارش متن و

پایان بودن؛ ساختار نقلی و روایی؛ جعل واقعیت بگونه‌ای اغراق‌آمیز؛ سرگرم‌کنندگی؛ نقش تعلیمی و آموزشی» (تمیم‌داری، ۱۳۹۰: ۵۷-۵۵). افسانه‌ها به داستانهای دفاع مقدس هم راه پیدا کرده‌اند و گهگاه از زبان شخصیت‌های داستانها نقل شده‌اند. دو داستان از چهار داستانی که در این پژوهش بررسی شده حاوی داستانهای افسانه‌ای هستند که بیشتر نقش تعلیمی و آموزشی دارند. در داستانهای دل دلدادگی (۶ مورد) و باغ بلور (۳ مورد) داستانهای افسانه‌ای ذکر شده است؛ درحالیکه داستانهای زمین سوخته و زمستان ۶۲ فاقد افسانه هستند.

افسانه‌هایی که مخملباف در داستان *باغ بلور* آورده، بیشتر رنگ‌وبوی مذهبی دارند. او در دو مورد از این افسانه‌ها چگونگی رویش گل محمدی و گل یاس را اینگونه بیان میکند: اشک حضرت محمد (ص) بر زمین میچکد و گل محمدی از قطره اشک پیامبر میروید و هنگامی که قطره‌ای از شیر حضرت فاطمه (س) بر زمین افتاده از آن قطره، گل یاس رویده است: «ملیحه آمد و لایه را بوسید. گفت: مادرم میگه حضرت محمد، حسن و حسین رو بغل کرد و بوسید و گریه کرد؛ اشکش که به زمین ریخت، گل محمدی دراومد بعد ...» (مخملباف، ۱۳۷۰: ۴۰).

«شیر مادر از جوهای بهشتی می‌آد. مادرم میگه حضرت فاطمه یک قطره از شیرش به زمین چکید، شد گل یاس» (همان، ص ۱۰).

افسانه‌ها در کتاب *دل دلدادگی* مندری‌پور نسبت به *باغ بلور* مخملباف از تنوع موضوعی بیشتری برخوردارند. موضوعاتی چون آفرینش انسان، رفتن ماهیگیرها به بهشت، آموزش کاشت و دفن کلاغ به انسانها، علت زلزله، معماری دختر موطلابی و آدم آتشی در افسانه‌های این کتاب آمده است. افسانه‌های این کتاب بیشتر جنبه آموزشی دارند و سرگرم‌کننده هستند.

افسانه آدم آتشی را زال برای زیتون دختر روجا تعریف میکند تا با سرگرم کردنش، داروی جوشانده را به او بخوراند: «تو که تا حالا ندیدیش. بعضی بچه‌ها ازش میترسند، بعضی دوستش دارند. یک آدمک آتشی است که چشمه‌اش مثل دو تا الماس آتشی میدرخشند. اگر خوب نگاه آتش کنی میبینیش. فسقلیه. اینقدر ... اگر چشمات را خوب باز کنی وسط آتش میبینیش. یک آدمک کوچک موقرمز. چشمات را بازتر کن! ها. خوب نگاه کن. ... شنیدی؟ آدمک بشکن زد. وقتی بشکن میزند، جرقه میبرد. آدمک تصنیف میخواند: خورشید خانم طلائی، عروس ناز مایی ... خورشید خانم طلائی، تو دل تنگ مایی ...» (مندری‌پور، ۱۳۷۹، ج ۲، صص ۸۰۳-۸۰۱).

در افسانه‌ای دیگر، مندا. آ برای سرگرم کردن نوه‌اش، زیتون، داستان ماهیگیرهایی که در دریا غرق شده‌اند و چگونگی رسیدن آنها به بهشت را اینگونه تعریف میکند: «آن پنج تا ستاره را میبینی پهلوی هم. اینها قایق ماهیگیرند. ماهیگیرهایی که تو دریا غرق میشوند، روحشان میروند مینشینند توی این قایق، این قایق شب می‌رود از شب می‌رود از روی ابرها می‌رود تا ته آسمان تا صبح می‌رود و ته آسمان آنجا نگاه کن که دو تا ستاره نزدیک هم هستند آنجا دروازه بهشته، قایق میرسد آنجا ماهیگیرها پیاده میشوند میروند توی بهشت ...» (همان، ج ۲، ص ۹۱۸).

## مَثَلها

مَثَل یا ضرب‌المثل، گونه‌ای از کلام است که در محاورات عامه مردم بسیار استعمال میشود. ضرب‌المثلها «معانی بسیاری را در لفظ اندک خاطرنشان میکنند و عالم و عامی میتوانند از آنها بهره ببرند. در ساختار ضرب‌المثلها، تعقل جمعی و تاریخی و تجربه فراوان به کار رفته است» (تمیم‌داری، ۱۳۹۰: ۲۰). مَثَل بطور کلی چهار ویژگی دارد: «ایجاز لفظ، استواری و اصابت معنی، تشبیه و وجود کنایه، و این نهایت بلاغت است» (یوسفی، ۱۳۸۶: ۴).

باوجود این ضرب‌المثل «یکی از آثار و مظاهر دانش یا فرهنگ عوام است که با کمی تعمق می‌بینیم حکیمانه‌ترین اندرزها و شیرینترین بذله‌ها و پرمغزترین کنایه‌ها، که اغلب هریک از آنها بتنهایی می‌تواند موضوع کتاب بزرگی در ادبیات، اخلاق، اقتصاد، علم‌الاجتماع و... قرار گیرد، در یک جمله کوتاه، در عین حال بسیار خوش‌آهنگ خلاصه شده و به این طریق، گنجینه‌ای پر بار و سرمایه‌ای بزرگ برای ما به وجود آورده است که حقا با گرانبهارترین گوهر جهان قابل برابری نیست» (امینی، ۱۳۶۹: ۲). بی‌شک زبان فارسی یکی از غنی‌ترین زبانهای دنیا از لحاظ فراوانی مثل است که می‌تواند نشانی از تاریخ کهن اقوام ایرانی باشد. استفاده درست از مثل در کلام ادبی، ضمن آراستن کلام، نشان از خلاقیت و هوش نویسنده نیز دارد. نقش داستان‌نویسان در حفظ و انتقال ضرب‌المثلها بویژه مثلهای عامیانه و کوچه‌بازاری غیرقابل انکار است. نویسندگان داستانهای جنگ هم از این قاعده مستثنی نیستند و با توجه به شخصیتها و فضای داستان، از مثل بهره برده‌اند. در چهار داستان این پژوهش، مثلها نقش کم و بیش پررنگی دارند، البته در این پژوهش مثلهایی که جنبه کنایی آنها برجسته‌تر است در بخش کنایه‌ها بررسی شده‌اند. مثلهای *باغ بلور* و *زمین سوخته* بیشتر عامیانه هستند و گاهی مثلهای ادبی هم دیده میشود؛ مثلهای *دل دلدگی* کاملاً عامیانه هستند و مثلهای *زمستان ۶۲* بیشتر ادیبند. در جدول زیر بسامد استفاده از مثلها برای هر کدام از چهار داستان نام برده، نشان داده شده و در ادامه برای هر کدام چند نمونه ذکر شده است:

نام کتاب	باغ بلور	زمستان ۶۲	زمین سوخته	دل دلدگی
تعداد مثلها	۳۲	۱۱	۵	۷

جدول شماره (۱) بسامد مثلها در چهار داستان مورد مطالعه

مثلهای *باغ بلور*: لاف در غریبی، سرفه در بازار مسگرها (مخملیاف، ۱۳۷۰، ص ۱۷۷) / شترسواری دولا دولا نمیشه. (همان، ص ۱۷۸) / خر بیار و باقالی رو بار کن. (همان، ص ۱۸۷) / کل اگر طیب بودی، سر خود دوا نمودی (همان، ص ۱۹۸) / هر دم از این باغ بری میرسد (همان، ص ۲۹۱) / از کوزه همان برون تراود که در اوست (همان، ص ۳۱۲) / سرد و گرم روزگار را چشیده است (همان، ص ۱۳) / در دیزی بازه، حیای گربه کجا؟ (همان، ص ۲۱۸) / هر که بامش بیش، برفش بیشتر (همان، ص ۲۴۵).

مثلهای *زمستان ۶۲*: در امر خیر حاجت هیچ استخاره نیست (فصیح، ۱۳۹۶، ص ۲۹۳) / الهی فال زینب راست باشد (همان، ص ۷۱) / سگی که زیاد پارس میکنه کمتر میگیره (همان، ص ۳۷۰) / گره از کار فروبسته ما بگشایید (همان، ص ۲۲۹) / دود از کنده بلند میشه (همان، ص ۱۹۳).

مثلهای *دل دلدگی*: موس جینجری داری میخواهی تخم قو کنی (مندنی‌پور، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۱۴) / مرد روزش مال خودش و زبان درازش، شبش مال زنش (همان، ج ۱، ص ۱۰۴) / در مستراح را میشود بست، دهان مردم را نه (همان، ج ۱، ص ۲۱۲) / عجله کار شیطان است (همان، ج ۱، ص ۲۳۸) / خودت را میزنی به کوچۀ علی چپ (همان، ج ۲، ص ۵۸۲).

مثلهای *زمین سوخته*: نوشدارو بعد از مرگ سهراب! (محمود، ۱۳۹۷، ص ۵۰) / ایستا تا علف زیر پات سبز شه (همان، ص ۲۷) / ظهر گرما که شتر ناف به زمین میگذارد (همان، ص ۳۲) / گر نگهدار من آن است که من میدانم / شیشه را در وسط سنگ نگه میدارد (همان، ص ۱۷۸).



### شعر عامیانه

اشعار یا ترانه‌های عامیانه از زیباترین و عمیقترین بخشهای فرهنگ عامه محسوب میشوند که ریشه در ادبیات شفاهی هر قوم دارند. «ترانه‌ها بمثابة بخش عظیمی از فرهنگ عامه، شایسته تحقیق و پژوهشند؛ چراکه زبان حال مردمند و دقیقاً بازگوکننده زوایای در محاق افتاده زندگیشان. از این رو اگر همچون دیگر بخشهای ادبیات عامه، با دقت گردآوری و با روشهای علمی تجزیه و تحلیل شوند، بر دانش بشر درباره تاریخ اجتماعیش می‌افزایند» (معصومی، ۱۳۸۹: ۵). در گذشته، ترانه‌ها بیشتر در میان مردم روستا و عشایر رواج داشت؛ اما «با گسترش شهرنشینی و صنعتی شدن شهرها و روستاها، ترانه‌های عامیانه به درون شهرها و کارخانه‌ها نیز راه یافتند. در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، ترس از اینکه با پیشروی زندگی مدرن، آداب و سنن گذشتگان رو به فراموشی رود، باعث شد گروهی به جمع‌آوری آثار عامیانه بپردازند. به همین علت، مجموعه‌هایی از ترانه‌های عامیانه گردآوری شد» (تمیم‌داری، ۱۳۹۰: ۵۰). جنگ و تم جنگی داستانها موجب بسامد بالای ترانه‌ها، روضه‌ها و نوحه‌های جنگی در این چهار داستان شده است؛ باوجوداین نویسندگان از اشعار و ترانه‌های عامیانه و حتی اشعار ناب فارسی نیز که در طی سده‌ها جنبه ضرب‌المثلی یافته و وارد زبان کوچه و بازار شده‌اند، با توجه به فضای داستان بهره برده‌اند. جدول زیر بسامد و تنوع اشعار عامیانه در هرکدام از داستانهای نامبرده را نشان میدهد. در ادامه نمونه‌هایی برای هرکدام از این داستانها بعنوان شاهدمثال ذکر شده است:

نام کتاب	باغ بلور	زمستان ۶۲	زمین سوخته	دل دلدادگی
تعداد شعرها	۸	۲۵	۸	۹

جدول شماره (۲) بسامد اشعار و ترانه‌های عامیانه در چهار داستان موردپژوهش

زمستان ۶۲: فصیح در داستان زمستان ۶۲ نسبت به سه نویسنده دیگر، اشعار و ترانه‌های بیشتری (۱۴ مورد) استفاده کرده است. اکثر این اشعار و ترانه‌ها از شاعران بزرگ بویژه حافظ هستند. او از ساقی‌نامه و غزلیات حافظ بهره بسیاری برده است. البته شخصیتها و فضای داستان فصیح هم در این امر دخیل هستند؛ زیرا فضای داستان، روشنفکرانه و دانشگاهی است و شخصیتهای اصلی داستان او، دکتر، پزشک، استاد و... هستند. فصیح از اشعار عامیانه هم غافل نبوده و چند بار از این اشعار و ترانه‌ها استفاده کرده است.

\* سگی اومد تو مطبخ/ یه تیکه نونو دزدید/ آشپز اومد با کفچه/ کوبید تو کله‌اش تا مرد/ سگهای دیگه ریختند/ سگ مرده را خاک کردند/ رو سنگ قبرش کردند... (فصیح، ۱۳۹۶: صص ۳۷۳-۳۷۲).

\* آندم که بریدند لب‌تشنه سرش را/ دل جای دگر، دیده به جای دگرش بود/ زخمی که به تن داشت ز شمشیر و سنان بود/ داغی که به دل داشت ز مرگ پسرش بود (همان، ص ۱۵۴).

\* صلاح کار کجا و من خراب کجا/ بین تفات ره از کجاست تا به کجا (همان، ص ۳۶۲)

\* همه سر به سر تن به کشتن دهیم/ از آن به که کشور به دشمن دهیم (همان، ص ۱۳۹)

دل دلدادگی: مندنی‌پور اقبال زیادی به اشعار و ترانه‌های عامیانه داشته است. او چند بار از ترانه‌ها و اشعار عامیانه شمالی در داستانش بهره برده است، حتی اشعاری که درباره امام علی (ع) استفاده کرده رنگ و بوی عامیانه دارند. او گاهی از زبان شخصیتهای غیرشمالی هم از ترانه‌های محلی بهره برده است.

- \* نسیمی کز بن آن گلبن آید... مرا خوشتر ز بوی سنبل آید... چو شو گیرم خیالش را در آغوش ... سحر از بستر بوی گل آید ... (مندی پور، ۱۳۷۹، ج ۲: ص ۵۵۰).
- \* بخوانم من امام اولین را ... شه کشور، امیرالمؤمنین را ... بهار آمد بهار آمد خوش آمد. علی با ذوالفقار آمد خوش آمد ... علی دلدل سوار قنبر جلودار. ز شهر زنگبار آمد خوش آمد ... (همان، ج ۲: ص ۹۱۶).
- \* دوغ، دوغ، دوشان دوغ. امو اره کشانیم ... امو ماسه خوریم ... دانه فشانیم. امو کوه گالشانیم ... دوغ، دوغ، دوشان دوغ ... (همان، ج ۱: ص ۲۵۳).
- زمین سوخته: احمد محمود در داستان زمین سوخته اشعار عامیانه کمی به کار برده است. اگر از چند بیت که جنبه ضرب‌المثلی دارند بگذریم، بقیه اشعار، شعرهای لری هستند که زنها هنگام تنهایی یا عزاداری میخوانند. در واقع بیشتر این اشعار همان شعرهایی هستند که محمود در داستان همسایه‌ها هم آورده است. آوردن اشعار لری شاید بخاطر اصالت نویسنده است که به پدر و مادری دزفولی بازمیگردد.
- \* کاروون غم کاس غمه کنم بار/ سرنشینش مو بووم گردم کیچه بازار (محمود، ۱۳۹۷: ۳۱۰)
- \* هر کجا بینم هم نوم تو نومه/ دسمه دیوار گِرم مَنم یه دمونه (همان، ص ۳۱۰)
- \* نُور نو نومه بارونه بباره/ قبر مه کوشی کنه سوزی نه دراره (همان، ص ۳۱۰)
- باغ بلور: اشعار و ترانه‌هایی که مخملباف در داستان باغ بلور آورده از تنوع بالایی برخوردار است. با وجود اینکه اشعار بکاررفته، تعداد کمی هستند، اما در میان آنها ترانه‌های و اشعار عامیانه مربوط به عروسی و... اشعار شاعران بزرگ ادبیات فارسی چون حافظ، سعدی و مولانا دیده میشود.
- \* عروس به این قشنگی. ... ایشالا مبارکش باد (مخملباف، ۱۳۷۰: ۹۴)
- \* در میخانه بستند خدایا مددی / در تزویر و ریا بگشادند (همان، ص ۸)
- \* اگر بار گران بودیم و رفتیم / اگر نامهربان بودیم و رفتیم (همان، ص ۲۹۵)

## کنایات

کنایه یکی از صنایع پرکاربرد و مهم در زبان عامیانه است. «کنایه از طبیعت‌ترین راه‌های بیان است که در گفتار عامه مردم و امثال و حکم رایج در زبان ایشان، فراوان میتوان یافت و تقسیم‌بندی‌های علمای بلاغت، هیچ‌گاه نمیتواند جدولی برای حدود آن تعیین کند. جستجو در امثال و نکته‌های رایج در زبان مردم، این موضوع را بخوبی روشن میکند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۱۴۸). برای کنایه تعاریف دیگری هم ذکر شده از جمله: «کنایه در لغت به معنی ترک تصریح است و در اصطلاح به معنی ذکر ملزوم و اراده لازم یا ذکر لازم و اراده ملزوم است. صاحب معالم/البلاغه آن را لفظی میدانند که اراده شود از آن معنی اصلیش با جواز اراده معنی اصلی در حین اراده لازم» (ذوالفقاری، ۱۳۸۷). بی‌شک کنایه یکی از عناصر جذاب زبان عامیانه است که نویسندگان ادبیات دفاع مقدس هم از آن غافل نبودند. اکثر کنایات بکاررفته در داستانهای بررسی‌شده از نوع عبارتهای فعلی هستند. این عبارات کنایی به کلام نویسندگان ارزش بلاغی داده و علاوه بر کشش و انعطاف معنایی، بار عاطفی و احساسی کلام را هم افزایش داده است. براساس بررسیهای انجام‌شده، در چهار داستان موردبررسی، اکثر کنایات از گونه فعلی هستند. در دو داستان زمین سوخته و دل‌دلدل/دگی کنایات محلی مربوط به محیط خوزستان و گیلان هم دیده میشود. جدول زیر بسامد کنایات در هریک از داستانهای مورد مطالعه را به تفکیک نشان میدهد و در ادامه برای هر کدام از این کتابها نمونه‌هایی ذکر شده است:

نام کتاب	باغ بلور	زمستان ۶۲	زمین سوخته	دل دلدادگی
تعداد کنایات	۹۸	۴۲	۴۴	۷۱

جدول شماره (۳) بسامد کنایات در داستانهای مورد مطالعه

باغ بلور: خورشید گفت: دندون روی جگر بذار دختر (مخلباف، ۱۳۷۰: ۲۶) / سوری سیر تا پیاز قضیه دیشب لایه را شنیده بود ... (همان، ص ۳۸) / خوبه که من در تمام عمر به تو نازکتر از گل نگفتم و ... (همان، ص ۴۳) / من اجاق نیآوردم که کور باشه. هری. (همان، ص ۱۹۱) / سر و گوشش شروع کرد به جنبیدن. ددری شد (همان، ص ۲۰۲) / من که این موها را به آسیاب سفید نکردم (همان، ص ۹۶).

دل دلدادگی: به قول بچه‌تهرانیهایی خیلی باهوش حال کردم. گفتم نمیگیرمت ما سیسکو چشم به راه داریم (مندی پور، ۱۳۷۹، ج ۱: ۹۶) / تو که پایت لب گور است، تا قحطی بشود چانه انداخته‌ای (همان، ج ۱، ص ۱۲۱) / مندا. آ داد زده: مگر تو «در خانه کارکن» آن مرداک زن بمورده بودی؟ (همان، ج ۱، ص ۱۶۴) / آنها منتظر بودند که خست او در تنگناهای تحمیلی بشکند ... (همان، ج ۱، ص ۱۷۷) / میگویند دختر خانه بمانسته، لابد عیبی دارد ... (همان، ج ۱، ص ۲۱۱) / ای بدبخت اجاق کور! زیر تابوت بگیر هم که نداشتی (همان، ج ۲، ص ۸۳۲).

زمستان ۶۲: پس شاید با اینها آبتون تو یک جو نرود. (فصیح، ۱۳۹۶، ص ۲۵) / پوستم کلفت شده. (همان، ص ۵۱) / پس کاش این جلال اهل رفتن قاطی مرغا بود. (همان، ص ۱۰۲) / پس پیه موشکم به تنت بمال. (همان، ص ۱۷۵) / مدام به گوشه خزیده، لب گزیده. جانماز آب کش. (همان، ص ۳۱۶) / فقط کله تو است که یک کاسه آش شله قلمکار است (همان، ص ۳۶۱).

زمین سوخته: برو تو صف بنزین و ایستا تا علف زیر پات سبز شه (محمود، ۱۳۹۷، ص ۲۷) / هیچکس برای بلیت تره خرد نمیکنند (همان، ص ۶۵) / پته کل شعبان را رو آب میندازد (همان، ص ۲۲۸) / غلط نکنم همین روزاس که ای طرفا تق یه خانه دربیاد (همان، ص ۲۳۸) / بات تلیت شب جمعه خورده که دشمنی داره؟ (همان، ص ۲۷۳).

### واژه‌ها و اصطلاحات

واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه تنوع و گستردگی بسیار زیادی دارند؛ بطوریکه بسیاری از پژوهشگران سعی کرده‌اند با ارائه معیارهایی، آنها را دسته‌بندی و نظم دهند. هرچند «هنوز مرزهای دقیق لغات عامیانه و رسمی در ادبیات ما همچون سایر زبانها روشن نیست و ما نیز نتوانستیم به نتیجه قطعی در تعیین چهارچوب درست لفظ عامیانه برسیم» (ثروت و انزایی‌نژاد: ۱۳۷۷: ۶). درواقع «تعیین مرز آنها اگر محال نباشد بسیار دشوار است و به هر حال امری نظری و ذهنی است و در عین حال مرز ثابتی ندارد و پیوسته در معرض تغییر و تحول است» (نجفی، ۱۳۷۸: ۷). باوجوداین در ساخت آوایی کلمات و ترکیبات عامیانه، سه فرایند قلب (قلف بجای قفل)، ابدال (نشت بجای نشد) و همگونی (مشد بجای مشهد) تأثیر دارد. همچنین در ساخت صرفی کلمات و ترکیبات عامیانه، فرایند دوگانه‌سازی (بد دک و پوز) و ترکیب کلمه با مهمل آن (رخت و پخت) دخیل است (حق‌شناس، ۱۳۷۹: ۱). آنچه در این پژوهش بعنوان عناصر زبان عامیانه بررسی شده عبارتند از: واژه‌های کوچه‌بازاری، اتباع، فحش، نفرین و ... در ادامه بسامد و نمونه‌هایی از متن چهار اثر زمین سوخته، زمستان ۶۲، دل دلدادگی و باغ بلور ارائه شده است.

زمین سوخته: احمد محمود نسبت به سه نویسنده دیگر از تمام مؤلفه‌های زبان عامه بیشتر استفاده کرده است. اکثر این عناصر تحت تأثیر فضای داستان (اقلیم خوزستان) به کار رفته‌اند. او از واژه‌های کوچه‌بازاری بویژه واژه‌های محلی استفاده کرده است مانند: رمبوندن، فلنگ، قشقرق، الم‌شنگه، رفک. بیشتر اتباع از گونه عطف هستند، مانند آش و لاش، شل و پل، چسان‌فسان. از تکرار خیلی زیاد استفاده کرده است. محمود مانند دیگر آثارش از فحش و نفرین خیلی استفاده کرده است که بیشتر ریشه در فرهنگ مردم جنوب دارد. مهمترین ویژگی زبان داستانهای محمود، استفاده از القاب برای شخصیت‌های داستانش است که در داستانهای نویسندگان دیگر دیده نمی‌شود مانند یوسف بی‌عار، مهدی پاپتی، جلیل کویتی، رضی جیب‌بر، نسیم خالدار. در جدول زیر بسامد عناصر زبان عامیانه در داستان زمین سوخته بیان شده است:

گونه	واژه‌های کوچه‌بازاری	اتباع	تکرار	نفرین	فحش	القاب
بسامد	۱۷	۹۸	۷۳	۱۳	۱۳	۱۲

جدول شماره (۴) بسامد مؤلفه‌های زبانی در داستان زمین سوخته

زمستان ۶۲: فضای و شخصیت‌های داستان زمستان ۶۲ به عناصر زبان عامیانه اجازه بروز و خودنمایی نداده است. محدود عناصری هم که به کار رفته از زبان شخصیت‌های عامه داستان است؛ مثلاً اکثر فحش و نفرین‌های این داستان از زبان ننه‌بوشهری که شخصیتی عامه است، بیان شده‌اند. مهمترین ویژگی نثر فصیح استفاده از اتباع بصورت عطف است مانند هپل و هپو، آلاخون والاخون، سوت و کور، هیر و ویر، غار و غور. در جدول زیر بسامد عناصر زبان عامیانه در داستان زمین سوخته بیان شده است:

گونه	واژه‌های کوچه‌بازاری	اتباع	تکرار	نفرین	فحش	القاب
بسامد	۲۲	۶۱	۳۵	۱۶	۱۴	۰

جدول شماره (۵) بسامد مؤلفه‌های زبانی در داستان زمستان ۶۲

دل دلدادگی: مندنی‌پور در این داستان از واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه و محلی بویژه شمالی در داستانش بسیار بهره برده است؛ مانند پلاپز، چوب‌دست، مازوی، مآر و پر، لیکه، گل‌سری‌خانه، جنجری. اتباع و تکرارهای این داستان بیشترین بسامد را در میان داستانهای بررسی شده دارند که حجم کتاب در این موضوع بی‌تأثیر نیست. اکثر اتباع این داستان از گونه عطف هستند مانند: لت و لو، لیک و لاک، آش و لاش و... . فحشهای داستان مخصوصاً زمانی که عراقیها خطاب قرار داده میشوند، بسیار رکیک و زشت هستند. فحشهای عامیانه و محلی هم در داستان دیده میشود، مانند موله‌زا. در جدول زیر بسامد عناصر زبان عامیانه در داستان دل دلدادگی بیان شده است:

گونه	واژه‌های کوچه‌بازاری	اتباع	تکرار	نفرین	فحش	القاب
بسامد	۴۸	۱۵۷	۱۸۸	۲	۴۶	۱

جدول شماره (۶) بسامد مؤلفه‌های زبانی در داستان دل دلدادگی

باغ بلور: واژه‌ها کوچه‌بازاری و نفرین، مهمترین عناصر و مؤلفه‌های زبان عامه در داستان باغ بلور است. فضای داستان در تهران است؛ بنابراین واژه‌های کوچه‌بازاری این محیط در داستان نقل شده است؛ مانند ایکبری، چغلی، بقچه، الله‌بختکی، شامورتی‌بازی، زابراه، الم‌شنگه، اردوناس و... . اتباع در این داستان هم بصورت عطف و هم اضافه به کار رفته است، اما بسامد بیشتر با عطف است؛ مانند آش و لاش، حیص و بیص، یرت و پلا، آسمان و ریسمان، یلری تلری. نفرین در این داستان بسامد بالایی دارد و معمولاً از زبان شخصیت‌های زن داستان بیان شده است که با توجه به تعدد شخصیت‌های زن در این داستان، بسامد نفرین هم بیشتر شده است. در جدول زیر بسامد عناصر زبان عامیانه در داستان باغ بلور بیان شده است:

گونه	واژه‌های کوچه‌بازاری	اتباع	تکرار	نفرین	فحش	القاب
بسامد	۱۹	۹۲	۷۶	۲۹	۱۳	۰

جدول شماره (۷) بسامد مؤلفه‌های زبانی در داستان باغ بلور

### نتیجه‌گیری

ادبیات جنگ بویژه داستانهای دفاع مقدس از ادبیات عامه خالی نیست و نویسندگان با توجه به فضا، شخصیتها و محیط جغرافیایی از ادبیات عامیانه در داستانهای خود بهره برده‌اند. در این پژوهش، گونه‌های مختلف ادبیات عامه و عناصر زبان عامیانه در چهار داستان شاخص دفاع مقدس بررسی شد که نتایج زیر به دست آمده است: در بخش افسانه‌ها فقط مندنی‌پور در داستان *دل دلدادگی* و مخملباف در داستان *باغ بلور* از این گونه ادبی بهره برده‌اند. هدف آنها بیشتر، ایجاد سرگرمی و جنبه آموزشی افسانه بوده است؛ از منظر مَثَل، مخملباف در داستانش به اندازه هر سه داستان‌نویس دیگر از مَثَل استفاده کرده است. مَثَلها در باغ بلور و زمین سوخته بیشتر عامیانه هستند و بندرت مَثَلهای ادبی هم در این دو اثر دیده میشود؛ درحالیکه مَثَلهای داستان *دل دلدادگی* کاملاً عامیانه هستند و مَثَلهای داستان *زمستان ۶۲* بیشتر ادبی هستند. از منظر شعر و ترانه، دلیل فضا و تم جنگی این داستانها، تقریباً در سراسر آنها نوحه و سرودهای جنگی به کار رفته است. علاوه‌براین، اشعار و ترانه‌های محلی هم در این داستانها دیده میشود، بطوریکه اکثر اشعار و ترانه‌ها در داستان زمستان ۶۲ از شاعران بزرگ ادبیات فارسی مانند سعدی و حافظ هستند؛ درحالیکه مندنی‌پور و احمد محمود از اشعار و ترانه‌های محلی استفاده کرده‌اند. مندنی‌پور اشعار شمالی و ترانه‌های محلی و محمود اشعار محلی لُری را که برای سوگواری استفاده میشوند در متن داستانهایشان استفاده کرده‌اند. در داستان باغ بلور با اینکه بسامد اشعار عامیانه پایین است، هم شعر عامیانه دیده میشود و هم اشعاری از شاعران بزرگ. گونه ادبی دیگر، کنایات است که در این داستانها بسامد زیاد و تنوع اندکی دارند و اکثر

آنها از گونه‌ی کنایات فعلی هستند. بسامد کنایات در داستان باغ بلور و دل دلدادگی نسبت به زمین سوخته و زمستان ۶۲ بیشتر است. در داستان دل دلدادگی و زمین سوخته از کنایات محلی مربوط به محیط خوزستان و گیلان استفاده شده است.

از منظر زبان و عناصر زبان عامه، احمد محمود و مندنی‌پور از واژه‌ها و اصطلاحات محلی محیط داستان خود یعنی خوزستان و گیلان بهره برده‌اند. اتباع در همه‌ی این داستانها بیشتر شامل عطف است و در *دل دلدادگی* نسبت به بقیه‌ی داستانها بسامد بیشتری دارد. احمد محمود و مندنی‌پور از فحشهای رکیکتر در داستانهای خود نسبت به فصیح و مخملباف استفاده کرده‌اند؛ درحالیکه مخملباف و فصیح از نفرین بهره بیشتری برده‌اند و نفرینها معمولاً از زبان شخصیت‌های زن است. استفاده از لقب برای شخصیتها در داستان احمد محمود بسامد بسیاری دارد، درحالیکه در داستانهای دیگر بسیار محدود یا ناچیز است. بطور کلی میتوان گفت بسامد مؤلفه‌های زبان عامه در سه داستان باغ بلور، زمین سوخته و دل دلدادگی نسبت به داستان زمستان ۶۲ بیشتر است.

داستانها	افسانه‌ها	امثال	شعر	کنایات	واژه‌ها و اصطلاحات
باغ بلور	۲	۳۲	۸	۹۸	۲۲۹
دل دلدادگی	۶	۷	۹	۷۱	۴۴۲
زمستان ۶۲	۰	۱۱	۲۵	۴۲	۱۶۸
زمین سوخته	۰	۵	۸	۴۴	۲۲۶

جدول شماره (۸) بسامد مؤلفه‌های گوناگون ادبیات عامه در داستانهای دفاع مقدس

### مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله‌ی دوره‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی استخراج شده است. آقای دکتر موسی پرنیان راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای یزدان پاکمهر بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر خلیل بیگزاده به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

### تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه رازی که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

### تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه‌ی داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض

احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

## REFERENCES

- Ajakianos, A. (2018). A Criticism of the Collection of Works Fasih and Some Stories by Ahmad Mahmood, Zoya Pirzad, Amir Hossein Chehelten, Fataneh Haj Seyyed Javadi. Tehran: Persian Language and Literature Academy, p. 100.
- Amini, A. (1989). Popular Culture or Interpretation of Farsi Proverbs. Isfahan: Isfahan University Press. P.2.
- Ashoori, D. (2001). Definitions and Concept of Culture. Tehran: Agah, p. 51.
- Beihaghi, H. (1989). Research and Study of Iranian Folk Culture. Mashhad: Astan Qods Razavi, p.21,36.
- Dad, S. (2011). Culture of Literary Idioms. Tehran: Morvarid, p. 24.
- Dastgheib, A. (1999). A Critique of the Works of Ahmad Mahmoud. Tehran: Moein, p. 50.
- Fasih, I. (2018). Zemestan 62. Tehran: Zehnaviz.
- Haghshenas, A.M. (2000). Folk or Spoken Persian Culture, Which? *Danesh*. 17 (2). pp. 59-65.
- Hajizade Mimandi, M. (2005). Research Pattern in Popular Culture. Yazd: Edaryeh kole Farhng and Ershad Eslami Ostan Yazd Ba Hamkari Entesharat Elme Novin, p. 54.
- Hanif, M. and Hanif, M. (2009). Excavations on Fiction and Holy Defense Fiction Literature. Tehran: Sarir, p. 70.
- Hassan Beygi, I. (2013). War and His Novels. Tehran: Soroush, p. 80.
- Hedayat, S. (1956). Neyrangestan. Second Edition. Tehran: AmirKabir, p. 9.
- Kowsari, M. (2000). Reflection on the Sociology of Literature (Article Collection). Tehran: Baz, p. 100.
- Mahjub, M. (2003). Iranian Folk Literature. by Hassan Zolfaghari. Tehran: Cheshmeh, p. 35.
- Mahmoud, A. (1979). Zamin Sokhteh. Tehran: Moein.
- Makhmalbaf, M. (1991). Baqe Bolour. Tehran: Ney.
- Mandanipour, Sh. (2000). Dele Deldadagi. Tehran: Zaryab.
- Masoumi, B. (2010). Persian Folk Songs. Tehran: Daftar Pazhoheshhae Farhangi, p. 5.
- Mirsadeghi, J. (1998). Glossary of Writing Art. Tehran: Naz Book, p. 24.
- Najafi, A. (1999). Persian Folk Culture. Tehran: Niloufar, p. 7.
- Servat, M. and Anzabinejad, R. (1998). Contemporary Culture. Tehran: Sokhan, p. 6.
- Shafi'i Kadkani, M. (1988). Imagination in Persian Poetry. Tehran: Agah, p. 148.
- Tamimdari, A. (2011). Popular Culture. Tehran: Mahkameh.

- Tondro saleh, Sh. (2003). War and New Wave Literature. Tehran: Farhangsaraye payedari, p. 90.
- Yousefi, Gh. (2007). Kaqaze Zar. Tehran: Sokhan, p. 4.
- Zahedi Motlaq, I. (2005). Gunpowder Generation. Tehran: Sarir, p. 50.
- Zolfaghari, H. (1986). Iranian Public Language and Literature. Tehran: Samt, p. 50.
- Zolfaghari, H. (2008). "The Difference between Allusion and Proverbs". *Two Quarterly Journal of Persian Language and Literature*. No. 10. pp. 109-133.

### فهرست منابع فارسی

- آشوری، داریوش. (۱۳۸۰). تعریفها و مفهوم فرهنگ. تهران: آگه، ص ۵۱.
- اجاکیانوس، آناهد. (۱۳۹۶). نقد مجموعه آثار فصیح و چند داستان از احمد محمود، زویا پیرزاد، امیرحسین چهل‌تن، فتانه حاج‌سیدجوادی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۱۰۰.
- امینی، امیرقلی. (۱۳۶۹). فرهنگ عوام یا تفسیر امثال و اصطلاحات زبان فارسی. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان، ص ۲.
- بیهقی، حسینعلی. (۱۳۶۸). پژوهش و بررسی فرهنگ عامه ایران. مشهد: آستان قدس رضوی، صص ۲۱ و ۳۶.
- تمیم‌داری، احمد. (۱۳۹۰). فرهنگ عامه. تهران: مه‌کامه.
- تندرو صالح، شاهرخ. (۱۳۸۲). ادبیات جنگ و موج نو. تهران: فرهنگسرای پایداری، ص ۹۰.
- ثروت، منصور، و انزابی‌نژاد، رضا. (۱۳۷۷). فرهنگ معاصر. تهران: سخن، ص ۶.
- حاجی‌زاده میمندی، مسعود. (۱۳۸۴). الگوی پژوهش در فرهنگ عامه. یزد: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد با همکاری انتشارات علم نوین، ص ۵۴.
- حسن‌بیگی، ابراهیم. (۱۳۹۲). جنگ و رمان‌هایش. تهران: سروش، ص ۸۰.
- حق‌شناس، علی‌محمد. (۱۳۷۹). فرهنگ فارسی عامیانه یا گفتاری، کدام؟ نشر دانش، (۲) ۱۷، صص ۶۵-۵۹.
- حنیف، محمد، و حنیف، محسن. (۱۳۸۸). کندوکاوی پیرامون ادبیات داستانی جنگ و دفاع مقدس. تهران: صریر، ص ۷۰.
- داد، سیما. (۱۳۹۰). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید، ص ۲۴.
- دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۷۸). نقد آثار احمد محمود. تهران: معین، ص ۵۰.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۸۷). تفاوت کنایه با ضرب‌المثل. دوفصلنامه علمی-پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۰، صص ۱۳۳-۱۰۹.
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۶). زبان و ادبیات عامه ایران. تهران: سمت، ص ۵۰.
- زاهدی مطلق، ابراهیم. (۱۳۸۴). نسل باروت. تهران: صریر، ص ۵۰.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۶). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگه، ص ۱۴۸.
- فصیح، اسماعیل. (۱۳۹۶). زمستان ۶۲. تهران: ذهن‌آویز، ۱-۳۷۳.
- کوثری، مسعود. (۱۳۷۹). تأملی در جامعه‌شناسی ادبیات (مجموعه مقاله). تهران: باز، ص ۱۰۰.
- محبوب، محمدجعفر. (۱۳۸۲). ادبیات عامیانه ایران. به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشمه، ص ۳۵.
- محمود، احمد. (۱۳۹۷). زمین سوخته. تهران: معین.
- مخملباف، محسن. (۱۳۷۰). باغ بلور. تهران: نشر نی.



- معصومی، بهرام. (۱۳۸۹). ترانه‌های عامه فارسی. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ص ۵.  
مندنی پور، شهریار. (۱۳۷۹). دل دلدادگی. ۲ جلد، تهران: زریاب.  
میرصادقی، جمال. (۱۳۷۷). واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی. تهران: کتاب ناز، ص ۲۴.  
نجفی، ابوالحسن. (۱۳۷۸). فرهنگ فارسی عامیانه. تهران: نیلوفر، ص ۷.  
هدایت، صادق. (۱۳۳۴). نیرنگستان. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر، ص ۹.  
یوسفی، غلامحسین. (۱۳۸۶). کاغذ زر. تهران: سخن، ص ۴.

#### معرفی نویسندگان

**یزدان پاکمهر:** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.  
(Email: [yazdan\\_pak@yahoo.com](mailto:yazdan_pak@yahoo.com))  
**موسی پرنیان:** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.  
(Email: [dr.mparnian@razi.ac.ir](mailto:dr.mparnian@razi.ac.ir): نویسنده مسئول)  
**خلیل بیگزاده:** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.  
(Email: [kbaygzade@yahoo.com](mailto:kbaygzade@yahoo.com))

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

#### Introducing the authors

**Yazdan Pakmehr:** PhD student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.  
(Email: [yazdan\\_pak@yahoo.com](mailto:yazdan_pak@yahoo.com))  
**Musa Parnian:** Associate Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.  
(Email: [dr.mparnian@razi.ac.ir](mailto:dr.mparnian@razi.ac.ir) : Responsible author)  
**Khalil Baygzadeh:** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.  
(Email: [kbaygzade@yahoo.com](mailto:kbaygzade@yahoo.com))